

قضاء و چگونگی آفرینش عدالت

قسمت ششم

قوانین مدنی و جزاء بنیان گذار تحولات سیستماتیک نوین قضائی

اگر از چاهای عدم تطبیق و حاکمیت قانون بگذریم و موجودیت و ایجاد قوانین مدنی و جزاء را با محتوا و درون مایه آن در جهت تأثیرات عینی و عملی و به کار بستن اجرائات قضائی و اداری نگاه کنیم در یک اندیشه صادقانه و واقع بینانه به تحول سیستماتیک و افق روشن آن در نظام قضائی افغانستان پی می بریم و بطور زنده می بینیم که محوریت در تطبیق قوانین (البته صادقانه بمنظور حاکمیت آن) در اجرائات، رعایت احکام قوانین، طرز فیصله، تشخیص جرایم، تعیین و تقدیر جزاء به تناسب جرایم ارتکابیه و اصدار احکام قضائی مطابق محتوا و سایر هدایات قوانین یاد شده - تحول زنده در سیستم قضائی افغانستان ظهور کرد، که قانون جزاء و قانون مدنی برای بار اول در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی مطابق سال ۱۹۷۷ میلادی هدایت آن را صادر کرده بود و قوانین متذکره ایجاد گر این طلیعه معجزه آسا در فضای قوه قضاء درین راستا گردید و در تسلط احکام خویش جرایم را مشخص و جزاهای تعزیری را تنظیم نمود. و مجازات مرتکبین جرایم حدود، قصاص و دیت که احکام معین در نصوص شرعی دارند به احکام فقه شریعت اسلام حواله و به ماده اول قانون جزای وقت نیز تصریح گردید.

زمانیکه احکام این قوانین (قانون جزا و قانون مدنی) به صفت عمده ترین قوانین در سطح مملکت به ارتباط قانونیت جرم و جزا و نظام حقوقی کشور الزامی قابل رعایت و به اجرا گذاشته شد افق روشنی در روند قانونمند شدن صدور احکام محاکم و اجرائات اداری و تقدیر و تعیین جزاهای تعزیری بر مبنای احکام قانون بوجود آمد و نتیجه آن شد که با رعایت احکام و دستورات الزامی آنها دیگر گونیهایی مثبت در سیستم و صدور فیصله های قضائی و استناد به صدور احکام محاکم به اساس اوامر احکام قانون بوجود آید، که این امر بطور قانونمند سبب تحولات قابل ملاحظه در ارگان قضائی کشور ما گردید و اجرائات قضائی قانونیت تازه بخود گرفت. و تحولات آنوقت در سطح قوه قضاء افغانستان با بکارگیری سالم داشته های این قوانین و رعایت احکام آن، بانی و اساسگذار تنظیم و دسته بندی جرایم و جزاهای تعزیری در مملکت دانسته شد.

و قانون جزای جدید هم مؤید تنظیم جرایم و جزاهای تعزیری قرار گرفت و در ماده دوم (۲) خویش صراحت داد که:

این قانون جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم می نماید. مرتکب جرایم حدود، قصاص و دیت مطابق احکام فقه حنفی شریعت اسلام مجازات میگردد.

اکنون بیجان نیست متذکر شویم که قوانین یاد شده یعنی (قانون مدنی و قانون جزاء) قبلی و فعلی در کار بُرد سالم خویش نتایج ثمر بخش کمی و کیفی دارند، که در شناسائی اعمال جرمی و جزاهای تقدیر و تسجیل شده خود، منبع و مصدر خوبی برای اصدار احکام و مرجع استناد از دیدگاه قانونی در محاکم محسوب و در تأمین عدالت قضائی و جزائی رُل عمده بازی می کنند.

کُد جزای میهن حین تنظیم تعزیرات همانطوریکه گفته آمدیم - بررسی جرایم حدود، قصاص و دیت را به احکام فقه شریعت اسلامی محول ساخته است.

اکنون توجه فرمائید که: قانون جزاء مطابق تذکر مطالب ارائه شده وسیله حکم ماده هفتم خویش قانونیت جرم و جزا را در متن خویش چنین جا می دهد و به رعایت آن فرمان می دهد. و به تفکیک جرایم حدود، دیت و قصاص می پردازد:

ماده هفتم قانون جزاء

- (۱) هیچ عملی جرم شمرده نمی شود، مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن، نافذ گردیده باشد.
- (۲) هیچ جزایی را نمی توان تطبیق نمود، مگر اینکه درین قانون تصریح شده باشد.
- (۳) هیچ شخصی را نمی توان مجازات نمود، مگر به حکم محکمه ذیصلاح و به حکم قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام، نافذ گردیده باشد.
- (۴) مجازات بالای مرتکب با در نظر داشت سایر شرایط و احوال مندرج درین قانون، متناسب با جرم ارتکابی تطبیق می گردد.

همانطوریکه ملاحظه فرمودید: تشخیص اعمال جرمی، تقدیر و تعیین جزاء و مرجع با صلاحیت اصدار حکم - تحت نظر و دایره احکام قانون و تحت تأثیر «قانونیت جرم و جزاء» قرار گرفت و مجازات مرتکبین اعمال جرمی نیز منوط به تقدیر و اندازه آن جزاهای گردید که قانون آن ها را تقدیر و تعیین کرده است.

ایجاد چنین زمینه مساعد با موجودیت و نفاذ قوانین مدنی و جزاء در اجرائات دادگاهها و صدور احکام قضای افغانستان راه و مسیر تازه تعیین کرد و سرحد صلاحیت قضائی در رابطه به تعیین جزاء در برابر جرایم و قضایای جنائی و تعزیری معین و در محدوده احکام قانونی قرار داده شد.

جزاهای اصلی، تبعی و تکمیلی با چگونگی حالات و وقوع جرایم از اعدام تا حبس دوام، طویل، قصیر و جرایم نقدی معین گردید و به همین ترتیب صدها قیودات قانونی دیگر با درون مایه ای که قوانین متذکره دارند بر اجرائات ارگانهای حراست حقوق و قانون حاکم شد.

از اینکه جزاهای مندرج در قانون جزای کشور با حالات دقیقی که متناسب با جرایم و جنایات پیشبینی و تعیین گردیده و حد اقل و حد اکثر جزا در آن معین و مقدر گشته بود نظم خوبی در تطبیق احکام آن برای دادگاه و قضات بوجود آمد. زیرا مطابق داشته های این قوانین حد اقل و حد نهائی صلاحیت قضات در تعیین جزا با مقیاس عمل جرمی تحدید و معین گردید و قضات در اصدار احکام و تعیین اندازه جزا تابع احکام قانون شدند.

این روش تازه قانون جزا برای محاکم ما نیز تازه گی خاصی داشت، میخواستیم صریح تر بنویسیم که قبل از نفاذ قانون جزای افغانستان یا قبل از تنظیم جزاهای تعزیری قضات در صفحات محاکمه، اندازه جزاهای جرایم تعزیری را خود تقدیر و تعیین مینمودند، شناخت کیفیت و کمیت جرایم و حالات جرم و مجرم مربوط به رونوشت اوراق تحقیق و نتایج آن شمرده میشد که بعد از تکمیل این پروسه قضات محاکم با نتیجه گیری از مجموع مندرجات اوراق و دلایل رقم خورده در دوسیه رأی خود را دایر الزام و یا عدم

الزام متهم صادر ورأی الزام وچگونگی مقدار جزا مفوض به رأی وصلاحیت قضات بود و قضات در تقدیر واندازه جزا به حکم تعزیرات دست باز داشتند. این محدودیت جدید قانونی با وجودیکه خللی در صلاحیت و آزادی های دادگاه و قضات در تعیین جزای بین حد اقل واکثر آن وارد نمی سازد برای دادگاه صلاحیت می دهد تا در صورت موجودیت دلایل قانونی تابع حد اقل واکثر جزا نبوده با ذکر احوال مشدده، معاذیر مخففه ویا احوال مخففه قضائی که مستوجب رأفت باشد ویا دیگر اعدا و احوالیکه در قانون تصریح شده است از صلاحیت قانونی خویش استفاده نمایند. ولی در پهلوی اعطای چنین صلاحیت ها قانون تأکید بر آن دارد که قضات حین صدور احکام قضائی مکلفیت دارند تا احوال مخففه و مشدده قضائی که وسیله برای تخفیف ویا تشدید جزا ویا تعلیق آن میگردد در اسباب حکم خویش تصریح و روشن سازند.

مختصر اینکه در اجرائات قضائی واداری دادگاه و محاکم راه تازه قانونی و روش جدید اصدار حکم تعیین و رعایت آن واجب الادا گردید.

تفکیک جرایم حدود، قصاص و دیت و اثبات حق تقدم دعاوی حق العبد:

چون بررسی جرایم حدود، قصاص و دیت به فقه شریعت اسلام محول و به ملاحظه احکام زیرین جرایم منذکره از تعزیرات تفکیک و صراحت همین هدیایات حق تقدم دعاوی حق العبدی را که منشعب از قضایای جزائی می باشد روشن می سازد. توجه فرمائید:

ماده ۵۴۶ قانون جزاء جدید

(۱) قتل عمد عبارت است از بین بردن حیات شخص زنده دیگر با داشتن قصد قتل.

(۲) هرگاه در قتل عمد، قصاص به یکی از اسباب مسقطه یا عدم تکمیل شرایط، ساقط یا متعذر شود، مرتکب حسب احوال مطابق به احکام این فصل مجازات میگردد.

ماده ۶۴۳ قانون جزاء جدید

(۱) زنا عبارت از مقاربت جنسی زن و مردی است که بین آنها رابطه زوجیت موجود نباشد.

(۲) هرگاه در جرم زنا شرایط تطبیق جزای حدّ موجود نگردد یا به علت شبهه و یا یکی از اسباب دیگر، حد زنا ساقط گردد، شخص تعزیراً مطابق احکام این فصل، مجازات می گردد.

ماده ۶۷۳ قانون جزاء جدید

(۱) قذف عبارت است از نسبت دادن ارتکاب فعل زنا یا نفی نسب به شخص توسط یکی از وسایل علنی به نحوی که اگر صدق می داشت شخصی که تهمت به او نسبت داده شده، به جزاء محکوم می گردید یا به نزد مردم تحقیر می شد.

(۲) هرگاه در جرم قذف شرایط تطبیق جزای حد موجود نگردد یا به علت شبهه و یا یکی از اسباب دیگر حد قذف ساقط گردد، مرتکب، تعزیراً به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می گردد.

(۳) هر گاه به اثر ارتکاب جرم مندرج فقره (۱) این ماده به حیثیت شخص یا خانواده وی طوری صدمه وارد گردد که ممانعت را در ازدواج دختر یا زن بوجود آورد، مرتکب به حد اکثر حبس قصیر محکوم می گردد.

سرقت

ماده ۶۹۹ قانون جزاء: جدید

(۱) سرقت عبارت است از گرفتن مال منقول ملکیت غیر، بدون رضائیت به مقصد تملک. ر

(۲) هرگاه در جرم سرقت شرایط اقامه حد تکمیل نگردد یا به نحوی از انحاء جزای حد سرقت ساقط شود، مرتکب تعزیراً مطابق احکام این فصل، مجازات می گردد.

مطالعه و ملاحظه مواد فوق الذکر قانون جزاء این نتیجه را می رساند که در صورت عدم تحقق شرایط حد آنگاه احکام قانون جزاء قابلیت تطبیق می یابد.

قانونیت جرم و جزاء همانطوریکه در محتوای قانون جزاء مسجل است و بگونه مختصر از آن تذکری بمیان آمد قانون اساسی افغانستان نیز آن را طی حکم ماده ۲۷ خویش چنین آورده است:

ماده ۲۷ قانون اساسی

هیچ عملی جرم شمرده نمیشود مگر به حکم قانون که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد. هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون.

هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

از اصل هدایات مواد ذکر شده قانون جزاء استنباط می گردد که رسیدگی و بررسی جرایم حدود، قصاص و دیت و حصه حق العبدی قضایا بر جرایم و جزاهای تعزیری تنظیم شده در قانون جزاء حق تقدم دارد و واجب الرعايه می باشد. با حرمت سخی صمیم.

ادامه دارد:
